

چکیده

با استقرار نظام عملیات بانکی بدون ربا و تغییر ماهیت عملیاتی بانک از واسطه‌گری وجوه به امور وکالتی، بانک به‌عنوان وکیل سپرده‌گذار، مسئولیت سرمایه‌گذاری وجوه سپرده‌گذاران و کسب سود منطقی برای آنان را برعهده دارد و مکلف است طبق قانون، سود حاصل از مشارکت خود با متقاضیان تسهیلات بانکی را پس از کسر حق‌الوکاله، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک، بین خود و سپرده‌گذاران تقسیم نماید. حال آن‌که در صحنه عمل، رویه‌های به‌کارگرفته شده توسط بانک‌ها چندان مطابقتی با ماهیت قانون عملیات بانکی بدون ربا ندارد.

لیکن با تأسیس بانک‌های خصوصی و به‌دنبال آن بحث خصوصی شدن بانک‌های دولتی در راستای اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی، موضوع تعیین و تسهیم سود واقعی بین سپرده‌گذاران و سهامداران بانک جنبه جدی‌تری پیدا نموده است.

در این مقاله سعی بر آن است مشکلات و موانع فراروی محاسبه و پرداخت سود قطعی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری از یک سو و تعیین سود سهم سهامداران از سوی دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

کلمات کلیدی: بانکداری اسلامی، بانکداری ربوی، سپرده، تسهیلات، سودپرداختی، سود واقعی.

۱- مقدمه

امروزه نقش مؤسسات مالی و بانکی در جریان امور اقتصادی جوامع بسیار حیاتی و کلیدی است. به طوری که بانکها شریان اصلی رساندن سرمایه و پول به قلب اقتصاد هر کشوری محسوب می‌شوند. با پیروزی انقلاب، موضوع اسلامی نمودن اجزاء و بخش‌های نظام و ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به طور جدی مطرح و اقدامات لازم جهت عملی ساختن آن صورت گرفت. و از جمله، تحول سیستم بانکداری کشور در جهت اسلامی نمودن آن و سیستم ربوی نیز در دستور کار قرار گرفت. در بانکداری بدون ربا، مشارکت بانکها در فعالیت‌های اقتصادی در قالب عقود اسلامی، جایگزین نرخ بهره در نظام بانکداری سنتی گردید. بانکها در سیستم عملیات بانکی بدون ربا، به عنوان سازمان‌های جذب کننده و گردآورنده منابع نقدینگی پراکنده موجود در سطح جامعه و هدایت کننده مستقیم آن به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی نقش ارزنده‌ای را بر عهده دارند. از این رو در سال ۱۳۶۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا با هدف استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای ضوابط اسلامی و به منظور تنظیم گردش پول و اعتبار در جهت رشد و سلامت اقتصادی کشور تصویب و از سال ۱۳۶۳ به مرحله اجرا درآمد. نزدیک به ربع قرن اجرای این قانون نشان دهنده آن است که چندان در عمل اهداف مورد نظر این قانون محقق نشده و همواره اجرای آن با پاره‌ای از مشکلات همراه بوده است.

یکی از عمده مسائلی که همواره در این زمینه مورد توجه حسابداران و حسابرسان قرار داشته، شناسایی سود واقعی معاملات عقود اسلامی و متعاقباً محاسبه سود قطعی شده سپرده‌گذاران طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌باشد.

۲- بیان ضرورت مسأله

با ملی شدن بانکها و سلب اختیار از مالکان و صاحبان سابق آنها، و در پی تغییر مالکیت بانکها، رسالت آنها نیز دچار تحول شد. به گونه‌ای که بانکها ابزاری شدند برای تحقق وظایفی که در بخش‌های مختلف بر عهده دولت می‌باشد، که کماکان این طرز فکر هنوز وجود دارد. تصور که چون بانکها متعلق به دولت هستند بنابراین منابع آنها باید در جهت رفع و تأمین نیازهای دولت و در راستای تحقق اهداف اجتماعی و اقتصادی آن عمل کنند، تاکنون موضوع سودآوری بانکها به گونه‌ای منطقی را به حاشیه برده و حساسیت لازم در این خصوص وجود نداشته است. شاهد این امر تخصیص بخش قابل ملاحظه‌ای از منابع بانک (منابع مالکانه و سپرده‌های عمومی) در قالب تسهیلات تکلیفی است. در حالی که بررسی اجمالی صورت‌های

مالی شبکه بانکی کشور بیان‌گر آن است که تنها بخش کم اهمیتی از دارایی‌های سیستم بانکی متعلق به دولت بوده و بخش عمده آن از محل سپرده‌های عمومی تأمین شده‌اند.

از سوی دیگر با استقرار نظام عملیات بانکی بدون ربا و تغییر ماهیت عملیاتی بانک از واسطه‌گری وجوه به امور وکالتی، بانک به‌عنوان وکیل سپرده‌گذار، مسئولیت سرمایه‌گذاری وجوه سپرده‌گذاران و کسب سود منطقی برای آنان را برعهده دارد و مکلف است طبق قانون، سود حاصل از مشارکت خود با متقاضیان تسهیلات بانکی را پس از کسر حق‌الوکاله، متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری و رعایت سهم منابع بانک به‌نسبت مدت و مبلغ به‌کار گرفته شده در امور مشارکتی، بین خود و سپرده‌گذاران تقسیم کند.

حال آن‌که در صحنه عمل، رویه‌های به‌کارگرفته شده توسط بانک‌ها چندان مطابقتی با ماهیت قانون عملیات بانکی بدون ربا نداشته به‌گونه‌ای که به‌جای محاسبه سود واقعی ناشی از مشارکت بانک با سرمایه‌گذاران، نرخ‌های ثابت تعیین شده از سوی شورای پول و اعتبار در هریک از بخش‌های مختلف اقتصادی مبنای عمل قرار می‌گیرد. در این زمینه مقایسه نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران با نرخ‌های تورم در سال‌های اخیر، بیانگر این واقعیت است که سودپرداختی نه تنها جبران‌کننده کاهش قدرت خرید سپرده‌گذاران در اثر تورم نبوده بلکه آن‌ها همواره با سود منفی یا کاهش ارزش واقعی پول خود مواجه بوده‌اند.

با تأسیس بانک‌های خصوصی و به‌دنبال آن بحث خصوصی شدن بانک‌های دولتی در راستای اجرایی شدن اصل ۴۴ قانون اساسی، موضوع تعیین و تسهیم سود واقعی بین سپرده‌گذاران و سهام‌داران بانک، جنبه جدی‌تری پیدا کرد. در این زمینه سوالات چندی به‌شرح زیر مطرح می‌باشد:

۱- آیا درآمد ناشی از معاملات عقود اسلامی در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌طور واقعی شناسایی می‌شود؟

۲- آیا سود پرداختی به سپرده‌گذاران در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا واقعی است؟

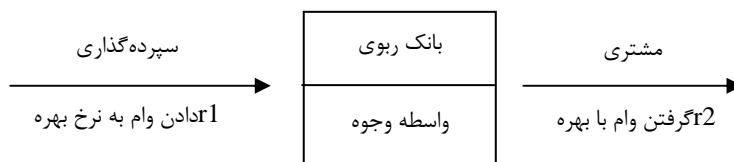
۳- و نهایتاً آن‌که رویه‌های حسابداری مورد عمل برای محاسبه سود پرداختی به سپرده‌گذاران، تا چه اندازه با استانداردهای حسابداری مطابقت دارد؟

در این مقاله سعی شده است تا ضمن پاسخ‌گویی به سؤالات مذکور، مشکلات و موانع فراروی محاسبه و پرداخت سود قطعی به سپرده‌های سرمایه‌گذاری از یک‌سو و تعیین سود سهم سهام‌داران از سوی دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

بانکداری اسلامی و ماهیت آن

مقایسه سیستم بانکداری معمول در دنیا و بانکداری اسلامی نشان می‌دهد که در بانکداری مبتنی بر سیستم سرمایه‌داری، بانک‌ها با دریافت وجوه از مردم تحت‌عنوان سپرده اقدام به جمع‌آوری وجوه پراکنده موجود در سطح جامعه می‌نمایند. این سپرده‌ها تحت عناوین مختلف به‌صورت دیداری، پس‌انداز و یا مدت‌دار در اختیار بانک قرار داده می‌شود. با توجه به ماهیت سپرده‌های دیداری (که صاحب سپرده در هر لحظه می‌تواند مبلغ سپرده خود را برداشت کند)، بهره‌ای بابت دریافت این سپرده‌ها پرداخت نمی‌شود. اما از آنجایی که سپرده‌های مدت‌دار دارای سررسید مشخص هستند و این اطمینان را برای بانک فراهم می‌کنند که سپرده‌گذار نمی‌تواند قبل از زمان مشخص شده در قرارداد، وجوه خود را از بانک دریافت دارد، به آن‌ها بهره تعلق می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان گفت که در این نوع سیستم بانکداری درحقیقت سپرده‌ها به بانک قرض داده می‌شود.

در بانکداری ربوی با توجه به ماهیت وام بودن سپرده‌ها، سپرده‌گذاران از نظر حقوقی حق دخالت در امور بانک را ندارند و بانک موظف است که اصل پول و فرع (یعنی بهره حاصل از آن) را پس از انقضای مدت وام به سپرده‌گذار بپردازد. بنابراین حتی در شرایطی که بانک دچار ورشکستگی شود پرداخت اصل و فرع پول سپرده‌گذاران باید در هنگام انحلال بانک و قبل از پرداخت حق، سهام‌داران پرداخت شود زیرا قرض (و فرع آن) جزو دیون ممتاز است. از سوی دیگر بانک وجوه وام گرفته شده از سپرده‌گذاران را به متقاضیان امور سرمایه‌گذاری و غیره تخصیص می‌دهد. بانک در مقابل اخذ وثیقه مطمئن به متقاضیان مربوطه (مشتریان بانک) با تعیین نرخ بهره مشخص وام اعطاء می‌کند. مسلم است که این نرخ، بیش از نرخ بهره وام‌هایی است که بانک به سپرده‌گذاران می‌پردازد. به این ترتیب در بانکداری سرمایه‌داری، وام براساس ارزش وثیقه اعطا شده و مورد مصرف وام از سوی وام‌گیرنده مورد توجه نیست. موقعیت حقوقی بانک ربوی به شکل زیر است:

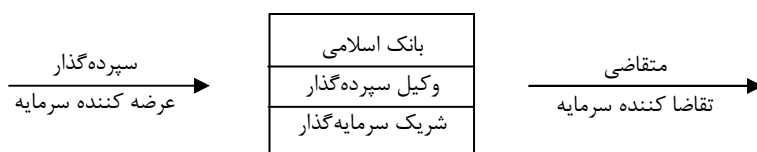


در بانکداری اسلامی برخلاف بانکداری ربوی که بانک به دلیل ماهیت وام بودن سپرده‌ها، به مکان و موردی که سپرده او صرف آن می‌شود توجهی ندارد و تنها به فکر درآمد سالانه حاصل از سپرده‌گذاری خود می‌باشد، تمامی سپرده‌گذاران می‌توانند در فعالیت‌های مولد جامعه خود مشارکت داشته و در حقیقت عرضه‌کننده سرمایه محسوب شوند.

در بانکداری اسلامی سپرده‌گذار، سرمایه‌گذار بالقوه بوده و بانک را وکیل خود قرار می‌دهد تا سپرده او را به صورت سرمایه بالفعل درآورد. از سوی دیگر عده‌ای متقاضی سرمایه‌گذاری وجود دارند که تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز خود را از بانک تأمین می‌کنند. در این سیستم، سپرده‌های سرمایه‌گذاری به صورت مشاع جمع‌آوری شده و پس از انعقاد قرارداد لازم از سوی بانک با متقاضیان مربوطه، برای سرمایه‌گذاری در زمینه‌های متعدد اقتصادی به کار گرفته می‌شود. بنابراین سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌هایی که از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری تأمین مالی می‌شوند درآمد مشاع سپرده‌گذاران محسوب می‌شود. بانک از محل سود ناشی از سرمایه‌گذاری‌ها، حق‌الوکاله خود را کسر و سپس درآمدهای مشاع را به نسبت مبلغ و مدت سپرده بین سپرده‌گذاران تقسیم می‌کند.

گرچه در قانون عملیات بانکی بدون ربا، اولویت با منابع از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری برای تأمین مالی سرمایه‌گذاری‌هاست، اما بانک نیز می‌تواند از منابع خود در تأمین پروژه‌های سرمایه‌گذاری استفاده کند. بانک اسلامی تنها در مورد سپرده‌های قرض‌الحسنه مجاز به دادن وام است و در رابطه با سایر انواع سپرده‌ها نمی‌تواند همانند بانک ربوی، واسطه و جوه باشد بلکه مسئولیت تأمین مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری متقاضیان را برعهده دارد.

موقعیت حقوقی بانک اسلامی را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



از نظر مفهومی، از آن‌جا که بانک ربوی واسطه و جوه است و با اعطای وام و اعتبار انجام وظیفه می‌کند، لذا می‌توان آن را یک مؤسسه پولی (Monetary Institution) دانست، در حالی که بانک اسلامی یک مؤسسه تأمین مالی (Financial Institution) محسوب می‌شود. نکته دیگر این‌که سپرده‌های سرمایه‌گذاری در بانکداری معمول، مشاع نیست. در حالی که در بانکداری اسلامی تمامی سپرده‌ها به صورت مشاع درمی‌آیند و معلوم نیست که کدام واحد پولی سپرده

کدام سپرده‌گذار در کدام پروژه و در چه منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شده و سود مشخص آن چیست زیرا هم سپرده‌ها و هم سودی که به آن‌ها تعلق می‌گیرد مشاع است.

بدین ترتیب ورودی‌های (منابع) یک بانک اسلامی از سه بخش زیر تشکیل شده است:

۱- سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری

۲- سپرده‌های قرض‌الحسنه پس‌انداز

۳- سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار

در حال حاضر (از زمان اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در سال ۱۳۶۳) ارتباط سپرده‌گذار و بانک در مورد سپرده‌های قرض‌الحسنه جاری و پس‌انداز، ارتباط دائن و مدیون بوده و هیچ سود از پیش تعیین شده‌ای به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد و بانک مسئولیت بازگرداندن اصل آن‌ها را برعهده می‌گیرد. اما در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، بانک در به‌کار گرفتن آن وکیل بوده و می‌تواند آن‌ها را در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به‌شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه‌گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله به‌کار گیرد.

در هیچ‌یک از مفاد قانون عملیات بانکداری بدون ربا، بانک واسطه و جوه معرفی نشده است بلکه تأمین‌کننده مالی است. در انجام این کار اگر بانک از منابع خود (سرمایه، سود و سپرده‌های قرض‌الحسنه) استفاده کند در سود و زیان حاصل از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده، با سپرده‌گذاران شریک می‌شود ولی اگر فقط سپرده‌های مدت‌دار را به‌کار گیرد به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران عمل خواهد کرد. در صورتی که از هر دو محل در یک پروژه خاص استفاده شود هم شریک و هم وکیل سپرده‌گذاران خواهد بود. در هر صورت بانک به‌هنگام امضاء قرارداد با سرمایه‌گذاران (متقاضیان تأمین مالی) شریک آن‌ها محسوب می‌شود.

براساس مفاد این قانون، بانک عمدتاً در سود حاصل از مشارکت بانک‌ها با متقاضیان تأمین مالی شریک می‌باشد و از این جهت در شرایط تورمی که حجم سود افزایش می‌یابد، سپرده‌گذاران متناسب با سپرده‌ای که در بانک‌ها به ودیعه گذارده‌اند از آثار منفی تورم در امان خواهند بود. در چنین حالتی است که بانک به‌عنوان وکیل، نقش واقعی خود را ایفا خواهد کرد. از سوی دیگر با تأمین سرمایه توسط بانک‌های کشور و از بین رفتن فاصله بین تأمین مالی و تولید، قیمت تمام شده محصولات کاهش خواهد یافت. توضیح آن‌که در بانکداری ربوی ابتدا پول (به‌جای سرمایه) تزریق و بخشی از این پول تزریق شده، صرف تشکیل سرمایه می‌شود. مضافاً این‌که هزینه بهره نیز به‌قیمت تمام شده محصولات اضافه و از مصرف‌کنندگان دریافت می‌شود.

به‌طور کلی می‌توان چنین نتیجه گرفت که از لحاظ مفهومی، فرق اساسی بانکداری متعارف با بانکداری اسلامی در این است که در سیستم معمول، بانک صرفاً واسطه گردش جوه است و

نرخ بهره، اصلی‌ترین اهرم عملیات بانکی محسوب می‌شود اما در بانکداری اسلامی ماهیت فعالیت‌ها، مشارکتی بوده و فعالیت در بخش واقعی اقتصاد مدنظر است.

ویژگی‌های عملیات بانکی در چارچوب نظام بانکداری بدون ربا (قانون ۱۳۶۲)

با توجه به آنچه بیان شد، در بانکداری اسلامی، بخش بسیار وسیعی از عملیات بانکی بدون ربا در رابطه با داد و ستد وجوهی است که بانک در آن‌ها نقش واسطه و وکیل را ایفا می‌کند. در این رابطه حقوقی، مالکیت وجوه به بانک‌ها منتقل نمی‌شود و در نتیجه بانک در استفاده از این وجوه، آزادی کامل نخواهد داشت. لذا بانک‌ها موظفند وجوه جمع‌آوری شده را در طرح‌های سودآور اقتصادی سرمایه‌گذاری نموده و یا براساس نوعی مشارکت در سود، به متقاضیان سرمایه واگذار و در نتیجه، سود حاصله یا سهم سود کسب شده را پس از کسر حق الوکاله بانک، به صاحبان سپرده‌ها بازگردانند. طبق قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها می‌توانند تحت هر یک از عناوین زیر اقدام به تجهیز منابع کنند:

الف- سپرده‌های قرض‌الحسنه

- جاری

- پس‌انداز

در هر یک از این سپرده‌ها مشابه با نظام بانکی معمول، رابطه بانک و مشتری، رابطه دائن و مدیون است و آنچه مدنظر سپرده‌گذاران است، بیشتر جنبه‌های معنوی و خدماتی است که از بانک دریافت می‌کنند. لذا بانک‌ها مکلفند عندالمطالبه، اصل سپرده‌های قرض‌الحسنه را مسترد دارند و از این جهت به سپرده‌های قرض‌الحسنه سودی تعلق نمی‌گیرد.

ب- سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار

در مورد سپرده‌های سرمایه‌گذاری طبق قرارداد، بانک وکیل وجوه سپرده‌گذاران بوده و موظف است تا با هدایت این وجوه به سمت فعالیت‌های اقتصادی سودآور ضمن کمک به رشد و توسعه اقتصادی جامعه، سودی را عاید سپرده‌های سرمایه‌گذاری کند. در این سپرده‌ها، انتفاع انگیزه اصلی سپرده‌گذاران است، از این‌رو با سپرده‌گذاری در بانک و دادن وکالت به بانک در به‌کارگیری آن وجوه، خود را در سود فعالیت‌های اقتصادی بانک که از محل سپرده‌های سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد، سهیم می‌کنند و در پایان دوره فعالیت اقتصادی، پس از این که منافع فعالیت مذکور مشخص گردید سهم سپرده‌گذاران طبق توافق، پرداخت می‌شود.

سپرده‌های سرمایه‌گذاری که اصل آن‌ها (برای اطمینان سپرده‌گذاران) توسط بانک تضمین شده، در امور تولیدی و خدماتی براساس عقود اسلامی به‌کار گرفته می‌شوند. سپرده‌های مدت‌دار به‌عنوان عمده‌ترین منابع بانک، مهم‌ترین بخش تأمین مالی تسهیلات اعطایی را تشکیل می‌دهند، به‌گونه‌ای که طبق ماده ۱۳ دستورالعمل اجرایی قبول سپرده، در تأمین منابع لازم جهت تسهیلات اعطایی (امور مشارکتی) از سوی بانک‌ها، اولویت با منابع سپرده‌گذار می‌باشد. باستناد تبصره ماده ۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، قرارداد مربوط به سپرده‌های مدت‌دار بر رابطه وکیل - موکل مبتنی بوده و می‌بایست در عقود از قبیل مشارکت، مضاربه، معاملات سلف، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، جعاله و سرمایه‌گذاری مستقیم مورد استفاده قرار گیرد. همچنین در تبصره ۲ ماده ۱۴ دستورالعمل مذکور، عنوان شده که بانک‌ها نمی‌توانند به هیچ‌یک از سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار رقم تعیین شده‌ای را از قبل به‌عنوان سود اعلام و یا پرداخت نمایند، بلکه سود پرداختی به‌صورت علی‌الحساب بوده و پس از طی دوره مشارکتی به‌طور قطعی تسویه می‌شود.

همچنین طبق ماده ۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا، تقسیم منافع حاصل از امور مشارکتی براساس قرارداد منعقد و متناسب با مدت و مبالغ سپرده‌های سرمایه‌گذاری با رعایت سهم منابع به نسبت مدت و مبلغ در کل وجوه به‌کار گرفته شده در این عملیات، صورت می‌گیرد. طبق ماده ۱۵ دستورالعمل اجرایی قبول سپرده نیز سهم (منافع) سپرده‌گذاران براساس مدت و مبلغ سپرده هر یک بین آنان تقسیم و پس از کسر حق الوکاله بانک پرداخت خواهد شد. حداقل و حداکثر حق الوکاله بانک بابت به‌کارگیری سپرده‌های سرمایه‌گذاری طبق ماده ۱۶ دستورالعمل، توسط شورای پول و اعتبار تعیین خواهد شد. ماده ۲۰ دستورالعمل مزبور، بانک‌ها را ملزم ساخته است تا به‌منظور تعیین سهم منافع سپرده‌گذاران در پایان شهریور و اسفند هر سال منافع حاصل از عملیات خود را تعیین نمایند.

مضافاً این‌که در ماده ۲۱ عنوان گردیده است: "... منافع سپرده‌های سرمایه‌گذاری بلندمدت در صورتی‌که سررسید آن‌ها مصادف با پایان شهریور و اسفند باشد به‌طور قطعی و در غیر این‌صورت به‌طور علی‌الحساب پرداخت خواهد شد. تکلیف پرداخت‌های علی‌الحساب مزبور، پس از تعیین منافع سپرده‌گذار به‌شرح ماده ۲۰ تعیین خواهد گردید".

طبق مفاد قانون، بانک‌ها در تأمین مالی امور موضوع ماده "۱۲" (تسهیلات اعطایی)، علاوه بر سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار، مجازند استفاده از منابع مالکانه خود نیز استفاده کنند، هر چند اولویت با سپرده‌های سرمایه‌گذاری است. از سوی دیگر با توجه به مسئولیت بانک

به‌عنوان وکیل سپرده‌گذاران، منافع حاصل از عملیات بانک باید پس از کسر حق‌الوکاله بانک به نسبت سهم آنان بین بانک و سپرده‌گذاران براساس مدت و مبلغ هر یک تقسیم شود. اما بررسی روش‌های جاری مورد عمل در بانک‌های کشور بیانگر این امر است که تقسیم منافع ناشی از عملیات بانک (تخصیص منابع)، به نسبت منابع سپرده‌گذار و منابع بانک صورت نمی‌گیرد و بانک‌ها برای رفع این مشکل اقدام به پرداخت سود علی‌الحساب می‌کنند. موضوعی که در رابطه با پرداخت سود علی‌الحساب مطرح است اینکه پس از قطعی شدن سود باید ضوابط مندرج در قانون، مبنی بر تسهیم سود به نسبت منابع بانک و سپرده‌گذار لحاظ شود. در حال حاضر برای پرداخت سود به سپرده‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت، ماهیانه رقم سود براساس مبلغ و مدت سپرده توسط شعب بانک محاسبه و از محل بدهکاران داخلی به حساب سپرده‌گذاران انتقال می‌یابد. در پایان سال، مانده حساب بدهکاران داخلی کلیه شعب در اداره امور مالی تجمیع و مانده آن به حساب سود پرداختی منظور می‌شود. حساب مذکور در دفاتر بانک ماهیت هزینه داشته و نهایتاً در حساب سود و زیان بانک ارائه می‌شود.

بند ۹ ماده ۲ قانون عملیات بانکی بدون ربا، یکی از وظایف بانک‌ها را "اعطای وام و اعتبار بدون ربا (بهره) طبق قانون و مقررات" بیان کرده است که این مسئولیت باید در چارچوب مقررات و مندرجات فصل سوم همین قانون (تسهیلات اعطایی بانکی) صورت گیرد. عقود که در حال حاضر و در چارچوب قانون عملیات بانکداری بدون ربا در سیستم بانکی کشور مورد عمل می‌باشد، براساس ماهیت‌شان و نیز با توجه به آئین‌نامه و دستورالعمل اجرایی آن‌ها در یک تقسیم‌بندی کلی به دو گروه مشارکتی و غیرمشارکتی قابل تفکیک هستند:

۱- عقود مشارکتی

عقود مشارکتی عقود هستند که براساس آن در چارچوب مشارکت در سود و زیان Profit & Loss Sharing) تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری و خدماتی)، توسط بانک تأمین می‌شود و در نهایت سود حاصل از این نوع فعالیت اقتصادی طبق قرارداد منعقد و براساس نسبت‌های مورد توافق، بین طرفین تقسیم می‌شود. این دسته از عقود شامل عقود مضاربه، مشارکت مدنی، سلف، مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم می‌باشند که در زیر ویژگی‌های هر یک از این عقود طبق مفاد قانون به‌طور مختصر ارائه می‌شود.

- مضاربه

به موجب ماده ۳۶ آیین نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا، مضاربه قراردادی است که به موجب آن یکی از طرفین (مالک) عهده دار تأمین سرمایه می شود. با قید این که طرف دیگر (عامل) با آن تجارت کرده و طرفین در سود حاصله شریک شوند.

طبق تعریف می توان نتیجه گرفت مضاربه جزء عقود است که سود مورد انتظار آن در پایان مدت قرارداد قابل شناسایی و محاسبه است. لیکن آنچه که در عمل در مضاربه اعطایی توسط بانکها انجام می شود بیش تر مطابقت شکلی با این عقد دارد تا مطابقت ماهوی، زیرا به جای این که سود مضاربه در پایان مدت قرارداد و به هنگام فروش کالا، از تفاوت بین قیمت خرید و قیمت فروش محاسبه و سهم سود بانک مشخص شود، بانک مرکزی براساس مصوبات شورای پول و اعتبار، حداقل سود مورد انتظار تسهیلاتی را که سود آنها در آینده تحقق می یابد براساس درصد در سال تعیین می کند که از این جهت واقعی بودن سود، مورد تردید است.

- مشارکت مدنی

مشارکت مدنی در واقع یک تأسیس حقوقی است که برای نخستین بار در نظام بانکداری بدون ربا در ایران به کار گرفته شد. براساس مواد ۱۸ و ۱۹ آیین نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا "مشارکت مدنی عبارت است از درآمیختن سهم الشرکه نقدی و غیرنقدی اشخاص حقیقی یا حقوقی متعدد به نحو مشاع و به منظور انتفاع قرارداد" که برای فعالیت تولیدی، بازرگانی و خدماتی صورت می گیرد. این نوع تسهیلات با توجه به تعریف آن، مشارکتی بوده و قاعدتاً سود ناشی از این دسته معاملات در پایان مدت قرارداد قابل شناسایی خواهد بود. البته باید عنوان کرد که سود شناسایی شده در پایان قرارداد، معرف سود قطعی تسهیلات مشارکت مدنی نیست زیرا مبلغ این سود براساس نرخ ثابت و نه قیمت بازار فروش موضوع مشارکت، تعیین می شود.

- معاملات سلف

موضوع معامله سلف عبارت است از: "پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمتی معین". در معاملات سلف نیز بدون توجه به شرایط روز بازار و قیمت های کالا در بازار، سود به نرخ تعیین شده در قرارداد، محاسبه و به حساب درآمدهای بانک منظور می گردد.

- مشارکت حقوقی

بانکها می توانند به منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخش های مختلف تولیدی، بازرگانی و خدماتی، سرمایه مورد نیاز شرکت های مربوطه را به صورت مشاع تأمین کنند. طبق ماده ۲۳ آیین نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا "مشارکت حقوقی عبارت است از تأمین قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی جدید و یا خرید قسمتی از سهام شرکت های سهامی موجود".

مشارکت حقوقی از جمله تسهیلاتی است که سود واقعی آن‌ها قابل محاسبه و شناسایی است.

- سرمایه‌گذاری مستقیم

در مورد این نوع تسهیلات نیز همانند تسهیلات مشارکت حقوقی، سود واقعی قابل شناسایی و محاسبه است.

براساس ماده ۲۸ آیین‌نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا "سرمایه‌گذاری مستقیم عبارت است از تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرح‌های تولیدی و طرح‌های عمرانی انتفاعی توسط بانک‌ها".

۲- عقود غیرمشارکتی

عقود غیرمشارکتی عقود هستند که ماهیتاً جنبه تجاری دارند. در این عقود نیز مشابه عقود مشارکتی و طبق قرارداد، بانک تمام یا بخشی از سرمایه مورد نیاز یک فعالیت اقتصادی (تولیدی، تجاری، خدماتی) را تأمین می‌کند با این تفاوت که بعد از انعقاد قرارداد و قبل از انجام فعالیت اقتصادی، بازده ناشی از فعالیت طبق توافق طرفین، تحت عنوان سود متعارف یا MarkUp بر قیمت تمام شده مورد معامله افزوده شده و در واقع بخشی از قیمت فروش را تشکیل می‌دهد. این دسته از عقود شامل موارد زیر است:

- فروش اقساطی

در این نوع تسهیلات، بانک‌ها بنا به درخواست و تعهد مشتری اقدام به خرید اموال مورد درخواست آنان کرده و سپس اموال خریداری شده را به صورت اقساط به مشتری واگذار می‌کنند. کاربرد این نوع تسهیلات در امور تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی) و امور خدماتی است. در تسهیلات فروش اقساطی، سود مورد انتظار قرارداد در زمان انعقاد آن قابل شناسایی است اما سود آن نه براساس قیمت‌های فروش اموال بلکه براساس نرخ سود ثابت شناسایی می‌شود و در طول دوره بازپرداخت تسهیلات فروش اقساطی به تناسب مدت سپری شده، سود به حساب سود و زیان بانک انتقال می‌یابد. درآمد فروش اقساطی در حساب درآمد سال‌های آینده ثبت و به نسبت اقساط وصولی، این حساب تعدیل و سود حاصله به حساب درآمد بانک منظور می‌شود.

- اجاره به شرط تملیک

طبق آیین‌نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک‌ها مجازند به عنوان موجر با هدف گسترش امور خدماتی، کشاورزی، صنعت و معدن و مسکن، اقدام به انجام معاملات اجاره به شرط تملیک نمایند. در این نوع معاملات، طبق درخواست مشتری، اموال منقول و غیرمنقول خریداری و به صورت اجاره به شرط تملیک در اختیار متقاضی قرار می‌گیرد.

براساس ماده ۵۷ آیین‌نامه مزبور، اجاره به شرط تملیک عقد اجاره‌ای است که در آن شرط شود، مستاجر در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستاجره را مالک شود.

معاملات اجاره به شرط تملیک ذاتاً غیر ربوی است و سود مورد انتظار آن در زمان انعقاد قرارداد قابل شناسایی است. در حالی که رویه مورد عمل در این خصوص، اعمال نرخ ثابت سود می‌باشد، به این نحو که در محاسبه مبلغ مال‌الاجاره، سود مورد انتظار براساس نرخ ثابتی به قیمت تمام شده آن اضافه می‌شود و در زمان واگذاری اموال به مستاجر سود سال‌های آینده شناسایی می‌شود. در پایان سال یا سررسید (هرکدام که زودتر باشد)، سود شناسایی شده به میزان اقساط سررسید شده، تعدیل و به ازای اقساط وصولی به حساب درآمد بانک منظور می‌شود.

- *جعاله*

جعاله از جمله تسهیلات کوتاه مدتی است که بانک‌ها می‌توانند جهت گسترش امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد به‌عنوان "عامل" یا عندالاقضاء به‌عنوان "جاعل" اعطا نمایند. طبق ماده ۸ دستورالعمل اجرایی "جعل دریافتی توسط بانک‌ها باید علاوه بر پوشش هزینه‌های انجام شده مربوط، شامل سود معینی برای بانک باشد".

در این تسهیلات نیز سود کل دوره تسهیلات در زمان انعقاد قرارداد، شناسایی و در درآمد سال‌های آینده نگهداری می‌شود و سود دوره سپری شده به‌عنوان درآمد سال جاری در صورت سود و زیان عمل می‌شود.

در هر یک از سه عقد اخیر، سود تسهیلات در تاریخ انعقاد قرارداد و اعطای وام به ازای مبلغ تسهیلات اعطایی و براساس نرخ ثابت محاسبه و به اصل مبلغ تسهیلات اضافه شده و در سررسید یا پایان سال به نسبت مدت سپری شده، سود عقود شناسایی و به حساب درآمد بانک منظور می‌شود.

مشکلات فراروی محاسبه سود واقعی در سیستم بانکی کشور

همان‌گونه که در مطالب قبل بیان شد، در نظام بانکداری اسلامی، بانک وکیل سرمایه‌گذار خود می‌باشد و لازم است تا به‌نفع موکل خود سرمایه‌گذاری نموده و پس از کسر حق‌الوکاله خویش، سود دریافتی از محل تسهیلات را به سرمایه‌گذار بازگرداند. حال آن‌که تمامی بانک‌های تجاری کشور، سود ناشی از معاملات را در قالب سود علی‌الحساب دریافت می‌کنند، لیکن

به دلیل مشکلات پیش‌روی، محاسبه و پرداخت سود واقعی صورت نگرفته بلکه سود علی‌الحساب پرداختی، از سوی بانک مرکزی به‌عنوان سود قطعی اعلام می‌شود. در این بخش سعی شد تا با توجه به ویژگی‌ها و رویه‌های مالی و حسابداری تجهیز و تخصیص منابع (جذب سپرده و اعطای تسهیلات) و با عنایت به الگوی بانکداری بدون ربا، موانع و مشکلات موجود در شناسایی سود واقعی معاملات و پرداخت سود قطعی شده به سپرده‌گذاران شناسایی و ارائه شود.

- مشکلات ناشی از رویه‌های حسابداری مورد عمل

مبنای شناسایی و ثبت آثار مالی معاملات، عملیات و رویدادهای مالی در حسابداری کنونی مؤسسات انتفاعی مبنای تعهدی است؛ بدین معنی که آثار معاملات در زمان وقوع آن‌ها شناسایی می‌شود، صرف‌نظر از آنکه با پرداخت یا دریافت وجه نقد همراه باشد. صاحب‌نظران حسابداری بر این عقیده‌اند که بکارگیری مبنای تعهدی، اطلاعاتی را درباره دارایی‌ها، بدهی‌ها و سرمایه و اجزای متشکله سود فراهم می‌کند که وضعیت مالی یک واحد انتفاعی را در مقایسه با ارائه اطلاعات مربوط به دریافت‌ها و پرداخت‌های نقدی دوره‌های مختلف، بهتر نشان می‌دهد.

در چارچوب استانداردهای حسابداری، مفهوم تعهدی عمل کردن درآمد و هزینه یکی از مفاهیم بنیادی و زیربنایی تهیه صورت‌های مالی شناخته شده است. به‌موجب این مفهوم: الف- شناخت درآمد و هزینه نه براساس دریافت و پرداخت وجه، بلکه همزمان با تحصیل درآمد و یا وقوع هزینه صورت می‌گیرد.

ب- در صورتی که ارتباط میان درآمد و هزینه محرز شود و یا فرض کردن ارتباط میان آن‌ها قابل توجیه باشد میان آن‌ها تطابق صورت می‌گیرد.

ج- درآمد و هزینه به حساب سود و زیان دوره مربوطه منظور می‌شود.

در این راستا مبنای نقدی، جایگزینی برای مبنای تعهدی نیست و بانک‌ها نیز مانند سایر مؤسسات انتفاعی باید مبنای تعهدی را در معاملات بانکی خود بکار برند.

بررسی شیوه‌های مورد عمل در ثبت و شناسایی درآمد معاملات بانکی در قالب عقود اسلامی در سیستم بانکداری کشور و مقایسه آن با استانداردهای حسابداری بین‌المللی مشخص می‌کند که یکی از مشکلات اساسی برای محاسبه سود قطعی، مبنای حسابداری مورد عمل در بانک‌هاست.

به‌لحاظ قانونی و مطابق با دستورالعمل‌های موجود، هزینه‌های بانک کلاً به‌صورت تعهدی شناسایی می‌شوند اما در ارتباط با درآمدها، رویه واحدی وجود ندارد. هرچند که بانک مرکزی ج.ا.ا. طی بخشنامه شماره م/ب/۷۷۲ مورخ ۱۳۸۴/۴/۲۷ در مورد شناسایی درآمد عقود اسلامی،

روش تعهدی را مبنای عمل بانکها و مؤسسات مالی عنوان داشته است لیکن به دلیل اشاره به کلیات روش تعهدی و وجود ابهامات فراوان در آن و نیز عدم وجود دستورالعمل واحد حسابداری عقود اسلامی بر مبنای روش تعهدی، هریک از بانکها و مؤسسات مالی کشور بنا بر مقتضیات و استنتاجات خود، به ثبت سود معاملات اسلامی در دفاتر و صورت‌های مالی خود اقدام می‌کنند که جای شک و شبهه بسیار دارد. از سوی دیگر با عنایت به اینکه در بخش‌نامه فوق‌الاشاره، سازمان حسابرسی به‌عنوان مرجع پاسخ‌گو جهت رفع ابهامات نحوه اجرای مصوبه معرفی گردیده و این سازمان نیز شناسایی و ثبت روزانه سود کلیه عقود اسلامی (اعم از مشارکتی و غیرمشارکتی) را به بانکها تکلیف کرده است، به نظر می‌رسد صرف‌نظر از مشکلات اجرایی این روش، این‌گونه شناسایی و ثبت درآمد معاملات بدون توجه به ماهیت عقود و یا بر اساس برآوردهای داخلی هر بانک، خالی از اشکال نباشد.

این موارد باعث شده تا بانکها در شناسایی سود واقعی معاملات و متعاقباً سود پرداختی به سپرده‌گذاران با مشکل مواجه شوند.

شایان ذکر است در این زمینه، مرجعی تحت عنوان سازمان حسابداری و حسابرسی مؤسسات مالی اسلامی "AAOIFI"^۱ اقدام به تدوین و انتشار استانداردهای حسابداری و حسابرسی برای بانکها و مؤسسات مالی اسلامی کرده است.

در بیانیه حسابداری مالی شماره ۲ این سازمان با عنوان مفاهیم حسابداری مالی برای بانکهای اسلامی و مؤسسات مالی^۲ آمده است: "شناسایی درآمد چنانچه قابل شناسایی (اندازه‌گیری) باشد، می‌باید براساس روش تعهدی عمل شود". که بر این اساس بانکها و مؤسسات مالی را ملزم می‌دارد که درآمد را به ترتیب زیر شناسایی کنند:

^۱ یک سازمان اسلامی بین‌المللی، غیرانتفاعی و مستقل است که در فوریه ۱۹۹۰ در تأسیس و از مارس ۱۹۹۱ در کشور بحرین کار خود را با اهداف ذیل آغاز کرده است :

۱- توسعه اصول حسابداری، حسابرسی و اخلاقی مرتبط با مؤسسات مالی اسلامی منطبق با استانداردهای بین‌المللی و نیز اصول و قوانین شریعت اسلام.

۲- یکسان‌سازی اصول و استانداردهای پذیرفته شده حسابداری در مؤسسات مالی اسلامی

۳- تدوین و انتشار استانداردهای حسابداری منطبق بر شریعت اسلام در مؤسسات مالی.

۴- جلوگیری از ایجاد تناقض و تضاد بین فتوا و اصول بکارگرفته شده در مؤسسات مذکور

۵- نگرش در جهت آموزش و گسترش این اصول در مؤسسات مالی اسلامی.

^۲ Concept of Financial Accounting For Islamic Banks and Financial Institutions – 2005-6 Edition

- اصل اولیه شناسایی درآمد این است که درآمد پس از تحقق باید شناسایی شود. تحقق درآمد در شرایط زیر صورت می‌گیرد:

۱- بانک‌ها می‌باید حق دریافت درآمد را کسب کرده باشند. این بدین معنی است که فرآیند کسب درآمد می‌باید کامل و یا تقریباً کامل باشد. نقطه کامل شدن فرآیند کسب درآمد ممکن است با انواع گوناگون درآمد متفاوت باشد. برای مثال، فرآیند کسب درآمد فروش کالا صرفاً در زمان تحویل کالا کامل می‌شود و فرآیند کسب درآمد جهت منافع کسب شده بابت اجاره دادن به سایر افراد در استفاده از دارایی‌های بانک، با گذشت زمان تکمیل می‌شود.

۲- تعهد پرداخت یک رقم ثابت یا قابل تعیین به بانک می‌باید توسط طرف قرارداد انجام شده باشد.
۳- میزان درآمد می‌باید معلوم و نسبت به وصول آن اطمینان نسبی وجود داشته یا قبلاً وصول شده باشد. به‌علاوه لازم است که تمامی بانک‌ها، درآمد را در دوره کسب شده شناسایی و در صورت‌های مالی بانک منظور نمایند.

همان‌طور که در استانداردهای FAS3 و FAS4 صادره توسط AAOIFI لازم دانسته شده است، در مورد قراردادهایی که بیش از یک دوره مالی ادامه می‌یابند، سهم سود بانک‌های اسلامی از درآمدها (که به دلیل تسویه حساب بخشی از مبلغ یا تمامی آن صورت می‌گیرد) می‌باید حداکثر تا میزان کسب درآمد برای هر دوره مالی شناسایی شود.

روش شناخت درآمد طبق استانداردهای جاری بانک‌های اسلامی در مورد عقود مختلف به شرح زیر می‌باشد:

۱- فروش اقساطی (Murabaha): طبق استاندارد FSA4 صادر شده توسط AAOIFI در مورد عقد فروش اقساطی، زمانی که درآمد قابل اندازه‌گیری بوده و در شروع قرارداد براساس مفاد آن تعیین می‌شود، درآمد به نسبت زمان در طول دوره قرارداد با توجه به اصل مبلغ معوق شناسایی شده و تا زمان کامل شدن فروش، دارایی جزء اموال بانک بوده و می‌باید در ترازنامه نشان داده شود. در مواردی که درآمد یک قرارداد براساس مفاد آن تعیین نشده و یا قابل اندازه‌گیری نیست، درآمد در زمانی که تحقق می‌یابد، شناسایی می‌شود.

۲- مشارکت مدنی (Musharaka): بر طبق استاندارد FSA4 صادر شده توسط AAOIFI، سهم بانک در سرمایه مشارکت (به صورت نقدی یا غیرنقدی) در زمان پرداخت به شریک و یا زمانی که بر طبق قرارداد، آماده پرداخت به شریک می‌شود، قابل شناسایی است. در مورد قراردادهایی که مدت آن‌ها کمتر از یک سال است، سهم بانک در سود و زیان قرارداد مشارکت در زمان تحقق شناسایی می‌شود. برای قراردادهایی با بیش از یک سال، سهم سود در زمان

- "اعلام" شناسایی می‌شود. سهم زیان‌های هر دوره از طریق کسر نمودن آن زیان‌ها از سهم سرمایه مشارکت شناسایی شده و بر مبنای نسبت سرمایه می‌باشد.
- ۳- مضاربه (Mudaraba): بر طبق استاندارد FSA3 صادر شده توسط AAOIFI، سهم بانک از سرمایه مضاربه (به صورت نقدی یا غیرنقدی) در زمان پرداخت به شریک و یا زمانی که بر طبق قرارداد آماده پرداخت به شریک می‌شود قابل شناسایی است. در مورد قراردادهایی که مدت آن‌ها کمتر از یک سال است، سهم بانک در سود و زیان قرارداد مضاربه در زمان تحقق شناسایی می‌شود. برای قراردادهایی با بیش از یک سال، سهم سود در زمان «اعلام» شناسایی می‌شود. سهم زیان‌های هر دوره از طریق کسر نمودن آن زیان‌ها از سهم سرمایه مضاربه قابل شناسایی و بر مبنای نسبت سرمایه می‌باشد.
- ۴- جعاله (قرارداد خدمات): استانداردهای صادره توسط AAOIFI در این زمینه مسکوت‌اند. اما طبق اصول متداول حسابداری، چنانچه آن زمان در طول سال مالی باشد، حق الزحمه کارگزار پرداختی به بانک در زمان اتمام کامل قرارداد و اگر قرارداد بیش از یک سال باشد، حق الزحمه به نسبت زمان شناسایی می‌شود.
- ۵- اجاره به شرط تملیک (Ijarah Muntahi Bittamleek): طبق استاندارد شماره FSA8 صادر شده توسط AAOIFI، در هنگام ورود به چنین قراردادهایی بانک تعهد و مستاجر قبول می‌کند که تملک دارایی را پس از انجام پرداخت منتقل سازد. از آن جایی که مالکیت دارایی‌ها تنها پس از انجام کامل تعهدات مالی به مستاجر منتقل می‌شود (پرداخت تمامی مبلغ)، مالکیت مال الاجاره در اختیار بانک باقی می‌ماند. بنابراین مال الاجاره می‌باید در ترازنامه بانک نشان داده شود و مطابق سایر دارایی‌های ثابت بانک مستهلک گردد. درآمد نیز می‌باید در زمان سررسید اقساط شناسایی شود.
- ۶- سرمایه‌گذاری‌ها
- ۱- ۶- سرمایه‌گذاری‌ها در شرکت‌های تابعه، به بهای تمام شده و به کسر ذخیره برای کاهش ارزش (باستثناء کاهش ارزش موقت) به حساب گرفته شده و صورت‌های مالی تلفیقی تهیه می‌شود.
- ۲- ۶- سرمایه‌گذاری در شرکت‌های وابسته، به بهای تمام شده به حساب گرفته شده و برای کاهش ارزش در صورت لزوم ذخیره در نظر گرفته می‌شود. این سرمایه‌گذاری‌ها در صورت‌های مالی تلفیقی به روش ارزش ویژه منعکس می‌شود.
- ۳- ۶- سایر سرمایه‌گذاری‌ها اگر جزء سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت تلقی گردد، به بهای تمام شده پس از کسر هرگونه کاهش در ارزش غیر از کاهش ارزش موقت تعیین می‌شود.

اگر بازار سرمایه وجود داشته باشد سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت (جاری) می‌باید به ارزش بازار نشان داده شود، مضافاً این‌که ذخیره کاهش ارزش براساس مجموعه سرمایه‌گذاری‌های جاری (پرتفوی) در نظر گرفته می‌شود.

مشکلات ناشی از نارسایی‌های نظام بانکداری کشور

- در خصوص عقود مشارکتی معمولاً سود معاملات براساس نرخ‌های ثابت و دستوری از سوی بانک مرکزی ج.ا.ا محاسبه و در حساب‌ها منظور می‌شود، در حالی‌که چارچوب بانکداری بدون ربا ایجاب می‌کند که اصل مشارکت در سود و زیان مبنای کار قرار گرفته و سود حاصل از فعالیت اقتصادی، براساس شرایط قرارداد منعقد و مطابق با نسبت‌های مورد توافق بین طرفین تقسیم گردد.

- تسهیلات تکلیفی که سهم با اهمیتی از تسهیلات سیستم بانکی کشور را به‌خود اختصاص می‌دهد، هر ساله طی بودجه کل کشور، به‌صورت تبصره‌های بودجه و با هدف تحقق اهداف برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا برای بانک‌ها تعیین می‌شود. تخصیص چنین تسهیلاتی از محل منابع بانک، بانک‌ها را در اعطای تسهیلات عادی خود به بخش خصوصی با محدودیت منابع مواجه می‌کند و در نتیجه حاشیه سود کم می‌شود و چه بسا باعث حاشیه سود منفی بانک شود.

در این زمینه بایستی عنوان داشت که منابع آزاد بانک‌ها پس از کسر درصدی از سپرده‌های مردم، به‌صورت سپرده قانونی و ذخیره نقدینگی، در حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد کل منابع ناشی از سپرده‌ها را تشکیل می‌دهد در حالی‌که بازدهی بانک بابت سپرده قانونی نزد بانک مرکزی تنها معادل ۱ درصد می‌باشد. از سوی دیگر با تخصیص بخشی از این وجوه در قالب اعتبارات تکلیفی با حداقل نرخ سود که بسیار پایین‌تر از هزینه تجهیز منابع می‌باشد سوددهی بانک‌ها تحت تأثیر قرار گرفته و حتی می‌تواند منجر به حاشیه سود منفی برای بانک‌ها شود. از سوی دیگر تأدیه این‌گونه تسهیلات از سوی دولت به‌موقع صورت نمی‌گیرد و مبالغ عمده‌ای به‌صورت بدهی دولت از این بابت در صورت‌های مالی بانک‌ها منعکس می‌شود که عملاً با توجه به این‌که بخش قابل توجهی از این منابع جزء مطالبات معوق و حتی لاوصول می‌باشند ذخیره‌ای هم برای آن‌ها در نظر گرفته نمی‌شود. این مسأله علاوه بر این‌که مغایر با ماهیت معاملات بر مبنای قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌باشد باعث کاهش قدرت اعتباردهی بانک‌ها گشته و در نتیجه مختل شدن سوددهی بانک‌ها را نیز در پی می‌آورد.

- از دیگر مشکلاتی که فراروی تعیین سود واقعی معاملات وجود دارد، عدم توانایی بانک‌ها در تقسیم و ارزش‌گذاری دارایی‌های مالی و سود ناشی از آن می‌باشد. به‌عنوان مثال زمانی که بانک اقدام به اعطای تسهیلات مشارکت مدنی می‌کند، لازم است که نسبت مشارکت بانک و مشتری در سرمایه مشارکت مشخص شود که این نسبت در تقسیم سود و زیان نیز ملاک قرار می‌گیرد. اما در صورتی که بانک به هر دلیلی نتواند فعالیت مزبور را قیمت‌گذاری و سود حاصل از آن را پیش‌بینی کند، در تعیین سود واقعی آن نیز با مشکل مواجه خواهد بود.
- عدم توانایی در تفکیک تسهیلات اعطایی، با توجه به منبع تأمین آن (منابع بانک و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار)، مانع از تقسیم واقعی سود حاصل از تسهیلات بین سپرده‌گذاران و بانک به نسبت منابع آن‌ها می‌گردد. هر چند به‌لحاظ قانونی در تأمین منابع لازم جهت تسهیلات اعطایی اولویت با منابع سپرده‌گذار می‌باشد، اما مسأله‌ای که در این‌جا مطرح می‌شود این است که سپرده‌های سرمایه‌گذاری متناوباً وارد بانک می‌شوند و این در حالی است که سرمایه از ابتدای قرارداد مشارکت در بانک وجود دارد و با توجه به این‌که محاسبه سود قطعی در پایان دوره صورت می‌گیرد، ممکن است در طی دوره با نوسان در حجم سپرده‌های سرمایه‌گذاری، نسبت مزبور تغییر یافته باشد.
- برای محاسبه سود قطعی و تخصیص آن به انواع سپرده‌های سرمایه‌گذاری، وجود یک سیستم محاسبات مکانیزه ضروری است. این سیستم باید بتواند عمر دقیق منابع مربوط به مشتریان و میزان ماندگاری آن‌ها و ... را محاسبه و به نسبت مزبور، سود واقعی را بین مشتریان تقسیم کند.
- به‌منظور تعیین سود واقعی و حق‌الوکاله بانک‌ها ضروری است تا بانک‌های کشور میزان بهره‌وری دارایی‌های خود و همچنین بهره‌وری سپرده‌های سرمایه‌گذاران را به تفکیک تعیین نماید نیز که این امر مستلزم تجدید ارزیابی دارایی‌های بانک در دوره‌های زمانی مشخص است. در حالی که به‌دلایلی هم‌چون شناسایی سود ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌ها که ماهیتی غیرعملیاتی دارند و نیز تأثیر نامطلوب آن بر ساختار ترازنامه بانک که موجب افزایش نامعقول دارایی‌های ثابت در مقایسه با مجموع دارایی‌های بانک می‌شود، بانک‌ها تمایلی به تجدید ارزیابی دارایی‌های خود نشان نمی‌دهند.
- همان‌گونه که بیان شد طرح موضوع حق‌الوکاله، براساس این دیدگاه در بانکداری اسلامی مطرح شده است که بانک، وکیل سرمایه‌گذار بوده و بایستی به‌نفع موکل خویش سرمایه‌گذاری نموده و پس از کسر حقوق وکالتی خود، سود دریافتی از تسهیلات‌گیرنده را به سرمایه‌گذار بازگرداند. حال اگر بنا باشد که حق‌الوکاله بانک‌ها به‌صورت دقیق محاسبه شود، بایستی مقررات روشنی درخصوص هزینه‌های غیرعملیاتی بانک‌ها وجود داشته باشد

زیرا بانک‌ها ممکن است با هدف کمتر نشان دادن میزان واقعی سود و پرداخت سود کمتر به سپرده‌گذاران، اقدام به افزایش هزینه‌های غیرعملیاتی یا حجم دارایی‌های غیرعملیاتی خود نمایند. در این زمینه بانک مرکزی ج.ا.ا. و یا سایر مراجع ذیربط بایستی استانداردهایی را در حوزه هزینه‌های غیرعملیاتی، درآمدهای غیرعملیاتی، دارایی‌های ثابت و حقیقی بانک‌ها و همچنین نحوه مدیریت بانک‌ها تعیین کنند.

منابع و مأخذ

علی مدد، مصطفی. ارباب سلیمانی، عباس. "موارد افشاء در صورت‌های مالی بانک‌ها و مؤسسات مالی مشابه". استاندارد بین‌المللی حسابداری شماره ۳۰. هیأت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری، مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۱۶۱.

"اصول و ضوابط حسابداری و حسابرسی در ایران". استانداردهای حسابداری. کمیته فنی سازمان حسابرسی. نشریه شماره ۱۴۵.

بهمند، محمد. بهمنی، محمود. ۱۳۸۶. "بانکداری داخلی-۱ (تجهیز منابع پولی)". مؤسسه عالی بانکداری ایران. چاپ چهاردهم.

هدایتی، سید علی اصغر و همکاران. ۱۳۸۰. "عملیات بانکی داخلی-۲ (تخصیص منابع)". مؤسسه عالی بانکداری ایران. چاپ هفتم.

"مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات یازدهمین همایش بانکداری اسلامی". ۱۳۷۹. بانکداری اسلامی و توسعه. مؤسسه عالی بانکداری ایران.

"The Accounting and Auditing Standards for Islamic Financial Institutions (AASIFI)". Bahrain. 1998.